

آمارسازان ماهر

ملا نصرالدین ماهی خرید و به خانه آورد.

به زنش گفت آن را عریان کند. در اثنای پختن ماهی ملا را خواب برد و زن به تنهایی ماهی را تماماً بخورد و دستان ملا را با روغن ماهی بیالود.

وقتی ملا از خواب بیدار شد، مطالبه ماهی کرد.

زن گفت: خوردم و فراموش کردم، دستت را بو کن.

ملا دست خود را بویید و گفت: آری دستم به خوردن ماهی گواهی می‌دهد اما شکم‌ام تکذیب می‌کند و فریاد گرسنگی سر می‌دهد.

این داستان در شرح حال آن دسته از مدیرانی است که سعی می‌کنند کارنامه خود را با ارائه یک سری آمار و ارقام پربرابر نشان بدهند. مدام فریاد بر می‌آورند که در حوزه مدیریت، تحول آفریده‌اند و نوآوری کرده و طرح نو در انداخته‌اند.

وقتی تریبونی برای صحبت به دست می‌آورند امکان ندارد فرصت‌ها را از دست بدهند. مدینه فاضله‌ای را برای مخاطبان ترسیم کرده و خود را قهرمان بلامنازع عرصه مدیریت تلقی می‌کنند.

شنونده وقتی ادعاها را با واقعیت‌های موجود مقایسه می‌کند داستان ملانصرالدین پیش می‌آید. مسئول مدعی می‌شود که حوزه مدیریت‌اش را گلستان کرده است و حقیقت موجود می‌گوید که تا گلستان شدن فاصله‌ای بس زیاد وجود دارد.

آمارسازان ماهر و قهار که عمر مدیریت خود را وابسته به آن می‌بینند چگونه در قبال وجدان خود احساس شرمندگی نکرده و همچنان به این کار زشت و چندش‌آور ادامه می‌دهند؟ آیا آن‌ها در اندیشه فردای قیامت نیستند؟ در محضر پروردگار چگونه جوابگوی دروغ‌ها و اعداد و ارقام ساختگی خواهند شد؟

ادعاهایی که برخی از مدیران در حوزه‌های مختلف می‌کنند وقتی موشکافانه مورد بررسی قرار گیرد واقعیت‌ها بیشتر چهره خود را نشان می‌دهد. تکیه بر چنین آمارهایی به آن‌چه که موجود است اثر فزاینده‌ای نمی‌تواند داشته باشد.

آمارسازی ها موجب می شود که توجه به هر بخش به میزان قابل توجهی کاهش پیدا بکند و این ظلمی بزرگ در حق مردم می تواند باشد.

بپذیریم که آمارسازی مشکلات را حل نخواهد کرد . برای رسیدن به توسعه در هر بخش، حرکت اصولی بر اساس برنامه و به کارگیری نیروهای متعهد، مدیر و مدبر مورد نیاز است. دروغگویی ها و وارونه جلوه دادن واقعیت ها هیچ دردی از دردها و مشکلی از مشکلات جامعه را نمی توانند حل بکنند. یا حق.